

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرین رمضانعلی
Tel: 00491757377539
E-mail: pramzanali@yahoo.de

ایسکرا ۳۲۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۵ شهریور ۱۳۸۵، ۶ سپتامبر ۲۰۰۶

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیره: عبدال کلپریان

بیش از ۲۰۰۰ نفر یاد جانبختگان را در خاوران گرامی داشتند



روز ۱۰ شهریور به یاد جانبختگان راه آزادی جمعیتی بیش از ۲۰۰۰ نفر از خانواده های جانبختگان و از دیگر مردم در خاوران جمع شدند و یاد جانبختگان تابستان ۶۷ و همه قربانیان توحش اسلامی را گرامی داشتند. تجمع کنندگان که با دسته های گل آمده بودند گورستان خاوران را گل باران کردند و دسته جمعی سرود انترناسیونال، سرود خاوران و سرودهای دیگری را خواندند. فضای

صفحه ۵

نگاهی به جنگ لبنان، پاسخی به رحمان حسین زاده

های زیادی را در دنیا بخود جلب کرد و احزاب و نیروهای و افراد متعددی را به موضوعگیری و بعضا به دست انداز انداخت. در یکسو گله های حزب الله را در قلب اروپا و کشورهای غربی دیدیم که این بار به زنان بی حجاب در استکهلم و لندن و برلین و تورنتو... تعرض میکردند و افسار گسیخته و بیشرمانه زنجیر می چرخاندند و عکسهای خامنه ای و شیخ نصرالله را در دست

صفحه ۲



مینا احدی

جنگ اسرائیل و حزب الله و حملات وحشیانه و گسترده اسرائیل به مردم لبنان و عواقب آن توجه

گزارش منصور شهابی، گزارشگر حزب کمونیست کارگری ایران از گورستان خاوران

به مزار، جاده را بسته و مانع آمدن جمعیت بیشتر به خاوران شده اند. تعدادی دانشجو را متوقف کرده و کارتهای آنها را گرفته و اجازه ورود به آنان نداده بودند. مراسم شروع نشده بود که مامورین انتظامی که یونیفورم به تن داشتند آمدند داخل

بودند که در این مراسم نباید شرکت کنند. علیرغم آن مراسم با شکوهی در خاوران برگزار شد. ابتدای صبح جمعیت به ۵۰۰ نفر میرسید. درب وسط خاوران را بسته بودند. بعد از ساعت ۹ مطلع شدیم که در بیرون ۵۰۰ متر مانده

جمعه ۱۰ شهریور ۸۵، تهران ساعت ۵ دقیقه به ۹ بود که ما به خاوران رسیدیم و از درب شمالی وارد شدیم. مطلع شدیم که همان اول صبح سه نفر از مادران دستگیر شده اند که اسامی آنها را هنوز نداریم. از روز قبل به خیلی ها اخطار کرده

یک زندانی سیاسی دیگر قربانی جنایات جمهوری اسلامی شد.

صفحه ۵

اعتراض کارگران ایران خودرو دیزل بیش از یک ماه است که ادامه دارد

صفحه ۶

کارگران پوریس پیروز شدند



کارگران پوریس در این روز طی مذاکراتی با اداره کار، کارفرما و حراست فرمانداری سنندج موفق شدند به خواسته های زیر دست یابند:

صفحه ۵

بر اساس اخبار رسیده در تاریخ ۸ شهریور ۱۳۸۵ کارگران کارخانه پوریس در سنندج موفق شدند اکثر خواسته هایشان را به کارفرما تحمیل کنند. بعد از این موفقیت کارگران به سر کار برگشتند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

نگاهی به جنگ لبنان، پاسخی به ...

داشتند و هماهنگ با این صف ارتجاع، احزابی را دیدیم که با تکیه بر یکسوی جنگ و با نشان دادن رجز خوانیهای احمدی نژاد و خامنه ای و حزب الله مبنی بر نابودی اسرائیل و پاک کردن آن از روی نقشه جغرافیا، هماهنگ با اینها سرود نابودی کفار خواندند و از سوی دیگر جریانات و احزاب و دولتهایی را دیدیم که در مقابل حمله اسرائیل و قتل عام وحشیانه هزاران نفر سکوت کرده و جنایات دولت اسرائیل و امریکا و میلیتاریسم غرب را، با نشان دادن همسین شعار نابودی اسرائیل و حذف آن از نقشه جغرافیا، پرده پوشی میکردند.

در یک کلام موضعگیری در مقابل این جنگ و بررسی و تحلیل آن و پاسخ دادن به علت و اهداف جنگ و شرایط و موقعیتهایی که جنگ مزبور در آن اتفاق افتاد و نقش نیروهای درگیر در جنگ به یک چالش جدی تبدیل شد و جداییها و وحدتهای جدیدی را بوجود آورد.

تحولات و جنگ اخیر در لبنان از جمله حزب کوروش مدرسی را به مشخصه انداخته است. موضعگیری "درخشان" کوروش مدرسی این جریان را در کنار حزب الله قرار داد. این بار دیگر اشتباه سیاسی نیست. این میتوانست یک انقلاب "ایدئولوژیک" نام بگیرد. زیرا جریانی که با هر تعبیری خود را چه بنامد نمیتواند به راحتی در کنار حزب الله قرار گیرد و آب از آب تکان نخورد. هر کس بنا به موضعگیری خود در قبال این موضوع یعنی در قبال دفاع جانانه کوروش مدرسی از حزب الله لبنان و اسلام سیاسی، نمیتواند سکوت کند.

جریاناتی مثل طوفان و برادر بزرگتر آنها اس دبلیو پی در انگلستان میتوانند با موضع "ضد امپریالیست" همشگیشان در کنار جریانات اسلامی باشند. اما جریانی که تا دیروز علیه اسلام سیاسی بوده است به این سادگی نمیتواند از این سالن به آن سالن برود. بروز علنی این تکان اعلام

موضوع تعدادی از هواداران این جریان و طرح "فراکسیون" در قبال این واقعه بود که خود را نماینده "اکثریت نگران و ملاحظه کار" حزبشان معرفی کردند. البته این عکس العملها با رجزخوانی علنی و شدیدالحن لیدر بر علیه فراخوان دهندگان مواجه شد. اما فکر نمیکنم آقای مدرسی به این سادگی بتواند همان چند ده نفر طرفیانش را هم قانع کند که در کنار حزب الله بایستند.

در مورد سیاست دفاع از حزب الله که در واقع خط جدی کوروش مدرسی است، این بار بجز چند نفری که قبلا هم در جریان "خر" خطاب کردن، معترضین در تبریز و رضاییه و مشکین شهر و... فرمان در خانه ماندن دادن به مردم اهواز و یا انتساب شورشهای مردم در کردستان و سنندج به تعدادی "ریشوی حزب الهی"، کسی حاضر نشده است که آشکارا از تزهایی ارتجاعی او دفاع کند.

حتی رحمان حسین زاده که معاون لیدر یعنی معاون همین آقای کوروش مدرسی است و همان "ملاحظه کاریهای" مورد اشاره فراکسیونشان و ادارش نموده حرفی در دفاع از حزبش نزنند، یک کلمه نتوانسته است از موضع لیدر دفاع کند. اینکه موضع او چیست یک مساله است، اما اینکه امکان دفاع از این موضع بغایت اسلامی و ارتجاعی را نداشته یک واقعیت عیان است که در نوشته ایشان کاملاً آشکار است. ایشان دست به قلم برده تا حمله به حزبش را دفع کند اما یک کلمه نگفته است بالاخره "حزب الله حامی و پشت ویناه" مردم فلسطین هست یا نه. پای اثبات این حرف کوروش مدرسی نرفته است که از حزب الله و دست پرورده جمهوری اسلامی دفاع کند

بجای این بحث ها که بحث اصلی است رحمان حسین زاده به خس و خاشاک و گردوخاکهایی نظیر اینکه نوشته حمید تقوایی به صفحه دوم "سایت اصلی" حزب کمونیست کارگری مستعمل شده است و...

متوسل شده تا روحیه صفوفشان را کمی هم شده بالا ببرد. وقتی کسی به دلایلی متوسل میشود که یک دقیقه هم اعتبارش دوام نمی آورد و با یک کلیک کردن و رفتن روی سایت پرت ویلا بودنش رو میشود، میتوان فهمید که وضع چقدر خراب است.

اختلاف بر سر چیست و رحمان حسین زاده کجا ایستاده است؟

به ما میگویند که حمید تقوایی در نشریه انترناسیونال نوشته: "امروز نمیتوان بدون کوتاه کردن دست اسلام سیاسی از سر مردم فلسطین و خاورمیانه، مساله فلسطین را به نفع مردم حل کرد"

اینرا دال بر دفاع ما از اسرائیل و امریکا قلمداد کرده و با حالتی مستاصل دست کمک به سوی چپهای سنتی دراز میکند و میگوید "میخواهم بعنوان یک جمع بندی و در عین حال یک هشدار و توقع، توجه همه جریانات چپ در ایران را به نکته مهمی جلب کنم. مادام که حزب کمونیست کارگری در زمره چپ جامعه محسوب میگردد و مواضع آنها به پای این بخش جامعه نوشته میشود، چپ جامعه ایران محقق است این مواضع را تحمل نکنند. محقق است مصرانه خواستار پس گرفتن صریح و روشن و بی ابهام این مواضع شود." (شوخی نکنید!) معلوم نیست اینکه کسی تحت نام چپ به دفاع آشکار از جریان ارتجاعی و تروریست دست پرورده جمهوری اسلامی بپردازد و در برابر به چپها حمله کند بدعت است و باید پس گرفته شود یا موضع حمید تقوایی که دو قطب ارتجاع و تروریسم و میلیتاریسم را مورد حمله قرار میدهد و به مردم فراخوان میدهد که به جبهه سوم یعنی جبهه انسانیت متمدن بپیوندند. نه دوستان دلایل محکمه پسند تری برای این بازی های لازم دارید.

رحمان حسین زاده اما دارد مشکل خود را با برادران چپ سنتی طرح میکند. او دارد به چپ سنتی میگوید اولاً ما در کنار شما هستیم و دوم اینکه اعلام میکند که دفاع از حزب الله کار شما هم بوده و باید علیه حزب کمونیست کارگری حرف بزنید و در این شرایط خطیر ما را

تنها نگذارید. این تقلاها قرار است حزب الله گیت حزب کوروش مدرسی را پنهان کند. اما این امری غیر ممکن بنظر میرسد. رحمان حسین زاده ناچار است از این نظرات مدرسی دفاع کند یا در مقابل آن موضع بگیرد. راه سوم وجود ندارد، زیرا نه تنها خارج از آنها بلکه دوستانش هم این را از او نمیپذیرند. فراخوان به چپ سنتی هم چاره ساز نیست.

شاید نیروی حاضر به بیراق تر دیگری میتواند مخاطب و مجری سیاست حمله به ما باشد. زیرا در سنت اسلامی و سنت جمهوری اسلامی ایران "دفاع" از اسرائیل به معنی حلال بودن خون فرد و یا جریانی است که این اتهام به او زده میشود. ظاهراً راه پیموده آقای رئیس دانا را امروز رحمان حسین زاده آغاز کرده است. میتوانند این فرمان حمله را گسترش داده و نیروی واقعی را که به این خطاها رسیدگی فوری میکند، مورد خطاب قرار داده و یا حداقل خط بدهد که باید حساب حمید تقوایی "کافرو طرفدار اسرائیل" را رسید!

در مورد معضلات پیش آمده، چه جنگ لبنان مد نظر باشد چه اوضاع داخلی حزبشان، رحمان به نحو کودکانه و ناشیانه ای با چرخاندن چشمها بسوی "کفر" حمید تقوایی مبنی بر اینکه یک راه حل معضل فلسطین کوتاه کردن دست اسلام سیاسی از مقدرات مردم است سعی میکند فشار را از گرده حزبش بردارد.

اینها هر روز بخشی از دنیا را به تصرف در می آورند و مثل "طوفان" هم مسلکشان در لیوان در حال تکان خوردن هستند. این تخلیلات بچه گانه ممکن است مخدري برای رهبری این جریان بی افق باشد اما کسی آنها را جلی نمیگیرد.

در مورد جنگ و حمله اسرائیل به لبنان بیش از بیست نفر از اعضا رهبری حزب ما و کادرها اظهار نظر کرده و این جنگ را تحلیل و ارزیابی کرده اند. الزاماً همه این رفقا، در مورد همه جزئیات تأکیداتشان یکی نیست چیزی که در حزب "تعدد نظرات" آقای مدرسی ادا نباید کفر باشد. آنچه در حزب و در رهبری ما وحدت نظر روی آن هست، تحلیل

این معضل در اوضاع امروز و با توجه به پیچیدگیها معضل در چهار چوب نظم نوین جهانی و نیروهای جدید در گیر است که جنگ تروریستها نام گرفته است.

ویژگی بحث حمید تقوایی این بود که فلسطین قربانی این جنگ شد. در چهارچوب جنگ دو قطب تروریستی و در شرایط امروز نمیتوان همان جوانهای چند سال قبل را تحویل جامعه داد. او برخلاف و در مقابل جریانات پرو اسلام سیاسی و یسار جسریمانیست "اعلام کرد این جنگ، جنگ دو قطب تروریستی است.

ما در مقابل کسانی که فقط اسرائیل و یک طرف جنگ را محکوم کردند گفتیم که در کنار اسلام سیاسی قرار نگیرید. کسانی که مثل آقای مدرسی حزب الله و اسلام سیاسی و نقش طرف دیگر جنگ و ایران و جمهوری اسلامی را در این ماجرا تظهير کردند هشدار دادیم. گفتیم اینها بعنوان یک قطب ترور و وحشت باید محکوم شوند. گفتیم که گر گرفتن شعار نابودی اسرائیل پروسه صلح را دو چندان دچار مشکل کرده است و...

اما پاسخ رحمان ساده انگارانه و بچگانه است. بالاخره نمیگوید از نظرات لیدرش در دفاع از حزب الله دفاع میکنند یا نه؟ او در مورد اینکه حزب الله خانه و جاده میسازد و چتر عاطفی و اجتماعی دفاع از مردم را ایجاد کرده است و غیره چرا سکوت کرده است؟ او اصلاً نیم نگاهی هم به نوشته بهرام مدرسی مبنی بر زمیننه سازی دفاع از جمهوری اسلامی در شرایط احتمالی حمله امریکا به ایران نمیکند، او را به این "جزئیات" کاری نیست. اما معلوم است که در عالم سیاست این شیوه سیاست را اپورتونیسم میگویند. سکوت رحمان حسین زاده در مورد نظرات لیدر حزبش بجز اپورتونیسم سیاسی چیزی را بیان نمیکند.

ظاهراً این بساط را بهر قیمت باید سر پا نگه داشت و از بلندگویی تبلیغاتی آن علیه چپ و کمونیسم و در مورد ضعف و ناتوانی چپها و قدر دانی از حزب الله داد سخن گفت. فعلاً باید این بساط سر پا

بماند تا به مردم بگویند حزب الله قهرمان و نجات دهنده اما چپ کلا ضعیف و کاری ازش ساخته نیست. باید سر پا بماند که در شورش مردم در اهواز علیه حکومت، اعلام کند مردم همه الاهوازی شده اند و در حرکات اعتراضی مردم در تبریز و آذربایجان مردم همگی به خاطر قومپرستی به میدان آمدند و باز جای دوست و دشمن را عوضی بگیرد و حرفهای کیهان شریعتمداری را تکرار کند.

همین امروز که رژیم اسلامی ۱۶ نفر از جوانان معترض و تظاهرکننده در اهواز را بجرم اعتراض علیه حکومت به اعدام محکوم میکند، اینها لام تا کام حرفی نمیزنند چرا که از نظر آنها مردم الاهوازی و قومپرست شده اند. گویا دفاع از حق حیات اینها "قومپرستی" است و "مریخی و هیروتی" است. این حزب ظفرنمون کاری به این ندارد و اعلامیه خشک و خالی در محکومیت آن نمیدهد چون اینها همان لولوهایی هستند که نباید اعتراض میکردند.

دستگیریهای گسترده در آذربایجان و شکستنجمه و کشتار معترضین در این شهرها از نظر این جماعت چندان مهم نیست چرا که اینها همان مردمی هستند که کوروش به آنها گفته است "خر نشوید و بیرون نیایید." دفاع از مبارزات مردم و اعتراض به جنایات حکومت اسلامی ظاهراً امروز زیادی چپ است. چپیی که اگر در سنگر مبارزات ایستاد، زیادی خراب میکند. اصلاً کل چپ نه در ایران بلکه در خاورمیانه و دنیا هیروتی است و مریخی است و اخ و تف است اما حزب الله و حماس "مدرسه درست میکنند و از شرف مردم دفاع میکنند." به همین دلیل فراخوان به تظہیر این نیروهای "سازنده" میدهند.

اگر دنیا این تحلیل‌هایی مالیخولیایی آقای مدرسی و پیش کسوت‌های ایشان یعنی امثال اس دلبلیو پی را قبول می‌کند باید میگفت زنده باد حزب الله و زنده

باد شهردار تهران. همچنانکه جورج گالوی، نیز در نشریه "کارگر سوسیالیست" شماره ۲۰۱۱ روز ۲۹ جولای نوشته است: من از جنبش مقاومت ملی حزب الله و رهبر حزب الله، شیخ سید حسن نصرالله، تجلیل می‌کنم. طبق تحلیل ایشان و آقای مدرسی گویا چپ باعث میشود که حزب الله نفوذش بالا برود و حماس قدرت را قبضه کند. گویا این حزب الله نیست که در همان لبنان و فلسطین با هر درجه "بیشرفت" حجاب به زور سر زنان میکند و یا قتل ناموسی میکند و یا کارگر معترض را تکه تکه میکنند و هر انسان معترض و مترقی دیگری خورش حلال و کافر و ملحد است و باید سرش بریده شود. گویا اینها را کسی نمیداند و خبر ندارد. گویا جنبش اسلام سیاسی، یک جنبش ارتجاعی و سیاه نیست. گویا این جنبش عکس العمل مردم به سرکوب و استیصال است نه یک جنبش دست ساخته غرب برای مقابله فعال با چپ و کمونیسم و سکولاریزم و آزادیخواهی و تملمن.

دفاع از حزب الله و مثال زدن از شعری که در وصف حزب الله شعر می‌گویند، شاید مدتی بساط رسانه های اسلام پناه را رونق بخشد ولی در عالم واقعی معضلات به گونه دیگری هستند. رحمان حسین زاده باید متوجه باشد که در ایران با تجارب وحشتناکی که مردم با حزب الله حاکم بر ایران دارند فروختن این مطعمه به آنها زیادی توهم قاطعی اش شده است.

خلاصه کنم:

در جنگ لبنان مردم قربانی جنگ تروریستها شدند. در میان جریانات سیاسی قربانیانی را دیدیم که قابل توجه بودند. از جمله این قربانیان (که البته از قبل زمینیه بسیار مناسبی برای قربانی شدن داشت)، کوروش مدرسی و حزبش بود. امروز در مقابل این جماعت یک سوال قرار گرفته است و آن اینکه آیا می‌خواهند این موضع بغایت راست و اسلامی را در کارنامه خود برای همیشه ثبت کنند؟ لیدر و حواریون

درجه اول او از این موضع دفاع کردند که حزب الله "کشیف" به مرجع کمک به مردم و قبله آمال مردم تبدیل شده است و نه فقط نباید محکوم شود بلکه باید از آن دفاع کرد. با هیچ بازی و ضد حمله ای نمیشود این سیاست را ماستمالی کرد و از انتظار مخفی نگه داشت.

رحمان حسین زاده به دو دلیل در موقعیت بشدت سختی گیر کرده است. یکی اینکه با چنگ و دندان از جدایی از حزب ما و ساختن یک جریان بقول خودش "آماده برای گرفتن قدرت در ایران" دفاع کرد و به جایی نرسید و شکست خورد و دیگری اینکه اکنون این پلاتفرم جدایی عملاً به دفاع از اسلام سیاسی و حکومت اسلامی دارد تغییر میکند.

این اتفاق مهمی است اما شک دارم که سکوت در قبال آن بهترین راه حل باشد. اینها نمیتوانند به این راحتی اعضا و کادرهایی که یک عمر علیه اسلام سیاسی و برای سوسیالیسم جنگیده اند را به مسلخ گاه اسلام سیاسی ببرند و در کنار حزب طوفان و برادر بزرگترشان اس دلبلیو پی قرار دهند.

رحمان نمیتواند فرد دوم حزبش باشد اما حزب الله گیت را نادیده بگیرد. فعلاً ممکن است مصلحتی و با سیاست تشکیلات داری که سابقه چندان درخشانی هم ندارد سکوت کنند. اما فشار واقعیات کمی بیشتر از افق رحمان حسین زاده موثر است. با اتکا به نوشته او در دفع حمله به کوروش مدرسی متأسفانه باید اسم او را هم در لیست قربانیان کمی خجول تر این جنگ قرار داد. عاقبت اسف انگیزی است اما سیاست بی رحم را انسانهای با احساس اتخاذ میکنند و مینویسند و این چنین نیز قربانی میشوند.

از همه اینها گذشته، باید یکبار دیگر برگشت و به خود واقعه نگاه کرد و ارزیابیهای مختلف را دید. رحمان حسین زاده هنوز میتواند جایگاهش را بهتر از این تعیین کند. او مثل کوروش مدرسی به مکان بی برگشت نرسیده است. این نه کفر است و نه عجیب، میتوان در مورد ارزیابی از جنگ لبنان اختلاف نظر

داشت. اما دفاع آشکار و بی پرده از حزب الله کار چندان ساده ای نیست. مدرسی سیاه روی سفید از حزب الله و در امتداد آن از جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده است. این بیشتر از یک افتضاح سیاسی است. فراخوان رحمان از جانب چپ عقب مانده و سنتی تا کنون با استقبالی حزب "توفان" و افرادی از کومله در سایت آشتی ربرو شده است. زیرا نوشته اند که باید به حزب کمونیست کارگری فشار آورد و موضع حزب آقای مدرسی را تقویت کرد. گفته اند که اینها دیگر مثل منصور حکمت "اسرائیلی" نیستند و موضعشان منطبق بر موضع چپهای ضد امپریالیست شده است. نوشته اند که جریانات مقاومت اسامی اکنون بر خلاف سیاست حکمت مورد دفاع آقای مدرسی و حزب اش است و ...

موضوع چیست؟ جنگ در لبنان بر سر چه چیز بود؟

برای خواننده ای که بدنبال کشف حقایق و روشن شدن معضل و راه حل است، سوال اینست که چرا این جنگ اتفاق افتاد و مهمتر از آن این جنگ در چه شرایطی اتفاق افتاد، ویژگی آن چه بود آیا اصولاً این جنگ و عواقب آن تفاوتی با جنگها و صلحهای متعدد، و مداوم در این منطقه و بین اسرائیل و فلسطین داشته است یا نه؟

آیا اصولاً این جنگ در مورد معضل فلسطین بود و یا اینکه طرفین جنگ بدنبال اهداف دیگری بوده و اهداف دیگری را پیگیری میکردند؟. واقعیت اینست که در منطقه خاورمیانه، معضل فلسطین، معضل مردمی که از خانه خود بیرون رانده شده و سالهای سال است که با سرکوب و بی حقوقی و بی حرمتی و در آوارگی و بی تأمینی بسر میبرند، یک زخم کهنه در قلب خاورمیانه است. زخمی که در عین حال یک منبع تغذیه اسلام سیاسی و ناسیونالیسم عرب است.

طرفین این جنگ سالهای سال است که در کشمکش دائمی بسر میبرند و هر از چند گاهی آتش جنگ حادث شده و صدها نفر قربانی جنگی میشوند که میتوانست بسیار

زودتر از اینها پایان یابد و مردم را از این اوضاع دردناک خلاص کند. اما دولت اسرائیل برخلاف اعتراضات در داخل خود اسرائیل و در سطح بین المللی، برخلاف خواست مردم و نهادها و سازمانهای مترقی و مدافع صلح، کماکان بر طبل جنگ کوبیده و جنایاتی غیر قابل توصیف بر علیه مردم فلسطین انجام میدهد. در آنسوی خط هم ناسیونالیسم عرب و جنبش سیاه اسلامی از این درد و زخم تغذیه کرده است. اسلام سیاسی برای قدرت گیری در این منطقه و برای اعمال نفوذ در زندگی مردم، به عملیات انتحاری و ایجاد ناامنی دست زده و این سیر تسلسل جنگ و درگیری سالهای سال است که ادامه یافته است. در طول این چندین سال بارها و بارها تلافیهای برای صلح در میان بوده و هر بار به بهانه ای و به دلایلی طرفین جنگ و درگیری، توافقات را بهم زده و مجدداً وارد دوره جنگی شده اند. تا کنون یک

بخش مهم تاریخ زندگی مردم در این منطقه با این جنگ و صلحها عجین شده است. بعد از چندین دهه ادامه جنگ و کشتار بالاخره مسئله صلح و تشکیل دولت فلسطین برای پایان دادن به این جنگ خونبار مورد توافق قطعی و ضمنی طرفین قرار گرفت. تا مقطع قدرت گیری حماس در فلسطین، نمایندگان سازمان الفتح و دولت اسرائیل کم و بیش این پروسه را داشتند طی میکردند.

اکنون در فلسطین، و بخشی از لبنان قدرت در دست سازمان حماس و حزب الله است. سازمانهایی که شعارشان نابودی اسرائیل است و با دخالتهای مستقیم ایران در این منطقه، و با دفاع فعال از سیاست جمهوری اسلامی ایران و با رجزخوانیهای احمدی نژاد، عملاً همان حد اقل زمینیه موجود برای مذاکره و مصالحه و طرف کاملاً بی خاصیت شده است. نقش جمهوری اسلامی و هماهنگی جریانات اسلامی در این منطقه با شعار نابودی اسرائیل بطور رسمی همان زمینه حداقل برای صلح و یا گفتگو و راه رسیدن به توافق را نیز از بین برده است. اگر تا دیروز، هیبت های نمایندگی طرفین بارها و بارها در مورد راه حل معضل فلسطین نشست و برخاست کرده و هر بار به

از صفحه ۳

نگاهی به جنگ لبنان، پاسخی به ...

دلیل و بهانه ای دولت اسرائیل پروسه صلح را با معضل روبرو میکرد، اکنون جمهوری اسلامی، حماس، حزب الله و همه جریانات اسلامی، با شعار حذف اسرائیل از نقشه جغرافی، دیگر عملا بن بست کامل در این پروسه ایجاد کرده اند. حماس و حزب الله که در فلسطین و لبنان به قدرت رسیدند يك پای این جنگ بوده اند و به هیچ چیز جز نابودی اسرائیل راضی نیستند. این يك فاکتور جدید در اوضاع منطقه و بررسی جنگ مزبور است که بسیاری از جریانات سیاسی آنرا نمی بینند و هنوز در فضای جنگ سرد دو قطب شرق و غرب به مسئله فلسطین نگاه میکنند. از این مهمتر اما واقع شدن این جنگ در دنیای امروز و در فضای بین المللی پسا بلوک شرق است. این جنگ اکنون در دنیای پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و در دوره تنش شدید بین دو قطب تروریستی در جریان است. کسی که تفاوت ماهیت، اهداف و نیروهای درگیر در این جنگ را با دوره قبل نبیند از تاریخ عقب است و ناچار به دفاع از این یا آن طرف جنگ می پردازد.

جنگ لبنان جنگی نیابتی بود

دولت آمریکا و متحدانش پس از ۱۱ سپتامبر به جنگ با نیرویی پرداخته اند که ساخته دست خودشان و محصول سیاستهای ارتجاعی آنها در مقابله با بلوک شرق و چپ در ایران و خاورمیانه بوده است. اکنون جنگ دو قطب تروریستی، مقدرات میلیونها نفر را تعیین میکند. اکنون ما جنگها و حملات و بمبارانهای وحشیانه و غیر قابل تصور، در عراق و افغانستان و لبنان ... را شاهد هستیم که همه حد و مرزهای اخلاقی را پشت سر گذاشته و بیرحمانه "شوک" ایجاد میکنند و می کشند و طرفین جنگ به هیچ کس و هیچ مرجعی نیز پاسخگو نیستند. بشریت در صحنه تلویزیونها، ویرانی و خرابیهایی را می بیند که باور کردن آن سخت

است. منازل مسکونی، بیمارستانها و پلها و شهرها و جاده ها در يك چشم بهم زدن به تلی از سنگ و چوب و ویرانی و شهر وحشت تبدیل میشود و اجساد قربانیان تکه تکه شده در لابلای این تل و خاک به چشم میخورد و عروسکهای کودکانی که قربانی شده و اسباب بازیهایشان در گوشه ای از این ویرانی افتاده است، صحنه های دلخراشی هستند که عمق جنایتکاری و بیشرمی هر دو قطب تروریستی و میلیتاریستی را نشان میدهد که بشریت را با این جنایات جنگی گامها به عقب می رانند.

در يك قطب این نمایش توحش دولت اسرائیل و آمریکا را می بینیم که تاریخ طولانی کشتار و قتل عام مردم در کشورهای مختلف را پشت سر دارند و اکنون هم با توحش تمام همان سیاستها را ادامه میدهند. در قطب مقابل آنها اسلام سیاسی و نیروهای مرتجع و جنایتکار و فاشیستی را می بینیم که در مقابل دوربینها سر می برند، سنگسار و اعدام میکنند و وجودشان در هر نقطه ای با ترور و جنایت و سر بریدن و دست بریدن تداعی میشود. عملیات انتحاری میکنند و امنیت مردم را در اتوبوس و محل کار در دیسکوتک و رستوران و در سالن رقص و جشن و پارتنی به مخاطره می اندازد. اکنون این جریانات تروریستی، مقدرات مردم را در منطقه خاورمیانه و در دنیا رقم میزنند. یکی برای اعمال قدرتی خود در دنیا چنین میکند و دیگری برای سهم خواهی در منطقه خاورمیانه و بالاخص برای باقیماندن در اریکه قدرت در ایران.

با جنگ دولتهای غربی در عراق و با ایجاد سناریوی سیاهی که شاهد آن هستیم، نه فقط پای اسلام سیاسی و یا حتی بخش ضد غرب این اختاپوس بریده نشد، بلکه این نیروی سیاه و ارتجاعی و تروریست بیش از پیش در مقدرات مردم در عراق دخالت کرده و شبکه ترور و وحشت خود را در منطقه کاملاً

گسترده است. در اینجا میخوام تاکید کنم که نقش این جنبش سیاه و باندهای وابسته به آن بطور مثال در عراق و یا فلسطین و لبنان و ...، فقط به عملیات تروریستی و یا انتحاری محدود نیست. حضور این جریانات در هر نقطه ای، با دخالت در زندگی مردم، با پس راندن زنان، با حجاب و زن ستیزی و قتل ناموسی، با مقابله با حقوق کارگران و یا حقوق انسانی و مدرنیسم و سکولاریسم مترادف است. يك نمونه زنده آن همان وضعیت مردم در عراق است. امروز در عراق زنان حتی حق و یا امکان بیرون آمدن از خانه را ندارند. این سناریوی وحشتناک بخشا ساخته دست همین نیروی مرتجع و ضد انسان و ضد زن است، که يك شاخص آن، ضدیت کامل با هر آن چیزی است که نشانه از تمدن و انسانیت داشته باشد. در فلسطین و لبنان نیز جنبش سیاه اسلامی نقش مخربش را همه دیده اند و يك پای بازی قدرت اسلام سیاسی در منطقه هستند.

امریکا و متحدینش می خواهند در جنگ با اسلام سیاسی پیروزی شوند. اسلام سیاسی هم برای پیروزی و تحمیل سهم خواهی خود می جنگد. میلیتاریزم غرب، با وجود جنایات بیرحمانه در عراق و منطقه، با سرعت غیر قابل باوری بسوی رو در رویی نهایی با جمهوری اسلامی پیش می رود. جنگ تروریستها، در ابعادی غیر قابل تصور و وحشتناک تر از همه این جنگها، بنظر میرسد در ایران خواهد بود. و طرفین با دیوانگی کامل بسوی این سناریو پیش میروند. جنگ لبنان به اذعان طرفین درگیر جنگی نیابتی بوده است.

جنگ در لبنان از مدتها قبل تدارک دیده شده بود!

جنگ اخیر در لبنان را باید در يك چهارچوب منطقه ای و جهانی دید. خودشان گفتند که برای تمرین جنگ دیگری این کار را میکنند، گفتند که برای ایجاد خاورمیانه بزرگ این عملیات ضروری بود. گفتند که این جنگ در سطح سیاستهای عمومی تر و تقابل

جهانی "دمکراسی" غربی با اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی بود. گروگان گیری دو سرباز اسرائیلی شروع يك جنگ پیشگیرانه اسلام سیاسی برای نشان دادن قدرت خود به رقیبش بود. توحش اسرائیل در لبنان به بهانه گروگانگیری دو سرباز اسرائیلی هم شروع جنگی بود که در هیئت حاکمه اسرائیل و با نظارت نزدیک دولت آمریکا، تصمیم آن گرفته شده بود. هر دو طرف جنگ قبل از شروع جنگ برای آن تدارک لازم را دیده بودند.

آنچه در لبنان و عراق اتفاق افتاد نمونه کوچک جنایاتی است که قرار است در ایران انجام شود و آنچه در اسرائیل با موشک پرانی حزب الله اتفاق افتاد قرار است فردا با ابعاد وسیعتر به وسیله جمهوری اسلامی پی گرفته شود. هر دو طرف خواستند ببینند که "پیروزی" در این جنگ چگونه میسر است. در این جنگ و در روزهایی که کودکان زیر بمبارانهای وحشیانه جان سپرده و تکه تکه میشدند، در جریان جنگ و در شرایطی که خانه ها و مراکز و پلها و بیمارستانها ویران میشد، کسی از معضل فلسطین و راه حل معضل فلسطین حرف نمیزد. نه اسرائیل و دولتهای غربی و کاندولیزا رایس و دیگران و نه نصرالله و حزب الله و جمهوری اسلامی ایران، هیچ يك از معضل مردم فلسطین و یا حل آن حرفی نمیزدند. همگی از جنگ کفر و باطل و جنگ دمکراسی با تروریسم و غیره حرف میزدند. در حالی که جواب مردم فلسطین تشکیل دولت مستساوی الحقوق فلسطین در کنار اسرائیل است.

ما چه میگوئیم؟

اولین نکته مورد تاکید ما در این جنگ و در این اوضاع این بود که تغییرات در اوضاع را باید دید. این جنگ صد در صد منطبق با جنگها و صلحهای قبلی بین اسرائیل و فلسطین نیست. این جنگ بطور کامل در چهارچوب نظم نوین جهانی و جنگ دو قطب تروریستی و در يك تصویر بین المللی و تقابل دو قطب اتفاق می افتد و اتفاقاً معضل مردم فلسطین

و مسئله فلسطین خود یکی از قربانیان این جنگ است. کسی که این اوضاع را نمی بیند و جنگ را مستقل از زمان و مکانی که اتفاق افتاده است بررسی میکنند از سیاست چیزی نفهمیده است. کسی که تغییرات فاکتورهای دخیل در این اوضاع را نبیند، نمیتواند پاسخخی به معضل مردم در این روزها و در این اوضاع بدهد.

مهمترین فاکتورهای تغییر یافته، یکی چهارچوب اهداف منطقه ای و جهانی جنگ است. دیگر دست بالا پیدا کردن جنبش سیاه اسلامی در فلسطین و به قدرت رسیدن حزب الله در لبنان و نقش پیشتر جمهوری اسلامی در این منطقه و نقش و جایگاه این جنبش به عنوان مدافعین شعار نابودی اسرائیل است. کسی که به این فاکتور توجه نمیکند و با همان عینک ۱۰ سال قبل دنیا را نگاه میکنند نمیتواند در کنار این یا آن قطب جنگی قرار نگیرد. کسانی که پا در دنیای جدید نگذاشته اند در خوشبینانه ترین حالت به اینسو و یا آنسو خط لغزیده یا مدافعین سرسخت و سینه چاک حزب الله یا در کنار آمریکا و اسرائیل قرار میگیرند. که نمونه زنده آن کوروش مدرسی و مدافعین او در حزش و یا حزب هم قد آنها طوفان است که در قامت حزب الله "مقاومت مسلحانه و ضد امپریالیستی خلقها" را می بیند. بخشی نیز به دفاع آشکار و ضمنی از جنایات غیر قابل توصیف اسرائیل علیه مردم لبنان برخاسته و از میلیتاریزم غرب دفاع کردند، و یا حداقل در مقابل جنایات جنگی اسرائیل سکوت کردند طیف سلطنت طلب و جریانات قومپرست از این دسته هستند. بشریت متمدن راه دیگری غیر از این دو را در پیش گرفته است و باید بگیرد. در مقابل هر دو قطب در دفاع از تمدن، سکولاریسم، و انسانیت مترقی. جبهه سوم جوابی به این توحش قرن ۲۱ است.

۳۰ اوت ۲۰۰۶

•••••

از صفحه ۱

بیش از ۲۰۰۰ نفر . . .



پرشوری بر خاوران حاکم شده بود. در این مراسم ناصر زرافشان که به تازگی از زندان آزاد شده است نیز شرکت داشت و مورد استقبال گرم

های جانباختگان توجه زیادی را به خود جلب کرد و فضای پراحساس و پرشوری را به تجمع داده بود. در این سخنرانی ها بر آزادی همه زندانیان سیاسی و محکومیت اعدام و شکنجه تاکید شد. سخنرانان همچنین قتل اکبر محمدی در شکنجه گاهای جمهوری اسلامی را محکوم کردند و اعلام کردند که یک هیئت بی طرف بین المللی باید به ایران اعزام شود و به این جنایت رسیدگی کند و اطلاعات خود را در اختیار عموم قرار دهد.

اشاره کنیم که قبل از تجمع خاوران جمعیتی بالغ بر ۴۰۰ نفر از در بهشت زهرا که شماری از جانباختگان در آنجا به خاک سپرده شده اند جمع شدند و یاد آنها را

حضور ماموران جمهوری اسلامی در اطراف تجمع مردم در گورستان خاوران و دستگیری شرکت کنندگان و تعرض به آنها را شدیداً محکوم میکند. همه دستگیر شدگان باید فوراً آزاد شوند. خاوران سند جنایت توحش اسلامی حاکم علیه مردم ایران است و کارگزاران و شکنجه گران و سران این حکومت باید به جرم کشتار عزیزان مردم در دادگاههای مردمی محاکمه شوند.

گرامی باد یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۰ شهریور ۱۳۸۵ ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۶



شده آزاد شد.

مراسم بسیار با شکوه بود جمعیت مرتب سرود میخواند. جمعیت در حالیکه به طرف درب سمت شمالی میرفت سرود میخواند. فضا از هر سال پر شور تر و جمعیت معترض تر بود.

گرامی داشتند. هنگام تجمع مردم و خانواده ها در خاوران نیروهای انتظامی وسیعاً در منطقه حضور داشتند و تجمع کنندگان را زیر نظر داشتند. در پایان مراسم ماموران جمهوری اسلامی فیلم ها و عکسهایی را که از مراسم توسط برخی شرکت کنندگان گرفته شده بودند به زور گرفتند و حداقل پنج نفر را دستگیر کردند که عمدتاً از دانشجویان پسر و دختر بودند و یک زن میان سال نیز در میان آنها دیده میشد. این اقدام مورد اعتراض شرکت کنندگان قرار گرفت. مراسم با خواندن سرود پایان یافت. گزارشهای مشروحتر را در اطلاعیه های بعدی به اطلاع خواهیم رساند. حزب کمونیست کارگری ایران

از شرکت کنندگان که دوربینی در دست داشت نزدیک شدند و دوربین او را گرفتند و میخواستند او را دستگیر کنند که مردم به اعتراض بلند شدند. همانجا زرافشان جلو رفت و گفت که تا او را آزاد نکنید من از اینجا نمیروم و من آخرین نفر خواهم بود که از اینجا میروم. با این فشارها جوان را آزاد کردند.

نیروی انتظامی به جوان دیگری که دوربین در دست داشت نزدیک شد و میخواست دوربین او را بگیرد که اعتراض کرد و گفت شما مزدوران اجازه ندارید دوربین مرا بگیرید و نیروهای انتظامی دست خالی از آنجا دور شدند.

در این موقع زنی میانسال را گرفته بودند که مردم با ماشین جلو آمدند و مانع شدند. یکی از شرکت

گزارش منصور شهابی، . . .

از صفحه ۱

سیاسی آزاد باید گردد، درود بر زرافشان سر داده شد. جمعیت دور مزار حرکت کرد و سرود خاوران و سرودهای دیگر خوانده شد. وقتی زرافشان وارد شد صحبت از این کرد که مردم بیایید اینجا تا یاد این عزیزان را گرامی بداریم اگر امروز این کار را نکنیم فردا نمیکندارند حتی نفس بکشیم.

جمعیت استقبال زیادی از سخنان او کرد و بار دیگر درود بر زرافشان سر داده شد. مردم به دنبال زرافشان به حرکت در آمدند. نیروی انتظامی با ماشین تا نزدیک مزارها آمدند و حرکت آشکار نیروی انتظامی با یونیفرم بیسابقه بود. چند نفر از نیروهای انتظامی به یکی

به کسانیکه مشغول نصب پلاکارد بودند تذکراتی دادند. نیروی انتظامی زیادی در محل بود. مراسم شروع شد. تعدادی از ماسداران سخنرانی کردند. حدود یکساعت طول کشید.

سپس متوجه شدیم که تعدادی از روی دیوارها وارد خاوران شده و به تعداد جمعیت اضافه شد. هر لحظه جمعیت بیشتر میشد و مردم در محل پراکنده بودند. در حال رفتن بودیم که جمعیت دیگری وارد شد، تخمین دشوار بود ولی جمعیت به بیش از ۵۰۰ نفر بالغ میشد. در میان جمعیتی که تازه وارد شد ناصر زرافشان هم حضور داشت. جمعیت ابراز احساسات کرد و شعار زندانی

مرگ مغزی ولی الله فیض مهدوی در زندان گوهردشت یک زندانی سیاسی دیگر قربانی جنایات جمهوری اسلامی شد.

عقب نشینی حکومت شده و اعلام شد که حکم اعدام وی لغو شده است. ولی این حکم به خود ولی الله فیض مهدوی رسماً ابلاغ نشده بود. او در اعتراض به بلاتکلیفی و وضعیت خطرناک خود، از ۹ روز قبل از آن به اعتصاب غذا دست زده بود.

روز شنبه ۱۱ شهریور بعد از ۹ روز اعتصاب غذا، حال فیض مهدوی بهم خورده و گفته شد که او ایست قلبی داشته است. با وجود



ولی الله فیض مهدوی

فقط در طول یک ماه، دو زندانی سیاسی در اوین و گوهردشت، به قتل میرسند. اکبر محمدی در

فیض مهدوی دچار مرگ مغزی شده است.

مسئولین زندان در مورد وضعیت او سکوت کرده اند و خبر از زندان گوهردشت به بیرون درز کرده است.

یکبار دیگر در سیاهچالهای جمهوری اسلامی، جنایتی دیگر انجام میشود و ولی الله فیض مهدوی این بار قربانی این جنایت است.

کمیتته بین المللی علیه اعدام، این جنایت جمهوری اسلامی را بشدت محکوم کرده و از همگان

اعتراض کارگران ایران خودرو دیزل بیش از یک ماه است که ادامه دارد



کارگران شرکت ایران خودرو دیزل با گذشت بیش از یک ماه از شروع اعتراضاتشان به کاهش سطح دستمزدها، روز ۱۲ شهریور بار دیگر دست از کار کشیده و تجمعی اعتراضی برپا کردند. بنا به گزارش، مسوولان ایران خودرو دیزل پس از کاهش حقوق کارگران قرارداد موقت این کارخانه که حدود ۹۵ درصد از کارگران این واحد را تشکیل می دهند، قراردادهای کارگران کارخانه را که به صورت یک ساله بسته شده بود به یک ماه تغییر دادند. کارگران ایران خودرو دیزل به قراردادهای یک ماهه کار و کاهش دستمزدهایشان که بعضاً سقف آن تا ۷۰ هزار تومان کاهش یافته است، معترضند. اشاره کنیم که از این ۷۰ هزار تومان ۳۰ هزار تومان مربوط به دستمزد است و ۱۰ هزار تومان بعنوان حق اولاد و ۳۰ هزار تومان پرداختی های کارگران برای اضافه کاری اجباری است. در تجمعی روز ۱۲ شهریور کارگران ضمن تاکید بر

خواست خود و خواست افزایش دستمزدهایشان، خواهان برکناری شیخانی، مدیرعامل ایران خودرو دیزل شدند. بنا به گزارشها شیخانی در مسافرت آلمان است و احتمال برکناری او وجود دارد. اکنون کسی بعنوان مدیر کارخانه پاسخگویی کارگران نیست. گفته میشود که زیر فشار اعتراضات کارگران مسئول "حراست" کارخانه نیز از کار برکنار شده و شخص دیگری بجای او منصوب شده است. مسئول جدید حراست هفته گذشته به میان کارگران آمد و از کارگران خواست که تا روز چهارشنبه به مدیریت فرصت داده شود و مدیریت طی این مدت خواستهای کارگران را عملی خواهد کرد. کارگران به سر کار رفتند اما مدیریت بلافاصله ابلاغیه داد و به کارگران هشدار داد که هیچکس حق ندارد با خبرنگاران و تلویزیونها در مورد اعتراضات و خواستههای کارگران مصاحبه کند. این ابلاغیه با اعتراض کارگران مواجه شد. تعدادی از خبرنگاران نیز برای تهیه

گزارش از اعتراض کارگران به محل آمده بودند اما حراست کارخانه از ورود آنها به کارخانه جلوگیری کرد. با گسترش اعتراض کارگران، ادبی، معاون مدیرعامل ایران خودرو، دانشجویان معاون منابع انسانی مدیرعامل ایران خودرو و مدیرکل حراست ایران خودرو در دفتر مدیرعامل ایران خودرو دیزل تشکیل جلسه دادند. بر اساس همین خبر نوری قائم مقام ارشد ایران خودرو برای خاموش کردن اعتراض کارگران به ایران خودرو دیزل رفته است. تحت فشار این حرکت اعتراضی یکی از مدیران کارخانه به کارگران قول داد که تا چهارشنبه ۱۵ شهریور به آنان پاسخ دهد. مدیریت کارخانه ایران خودرو تلاش دارد که با حواله دادن کارگران به بخشنامه دولت کارگران را سر بدواند. از سوی دیگر چندی پیش عزیز بهزادی، مدیرکل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار، با غیر قانونی اعلام کردن کاهش حقوق کارگران ایران خودرو دیزل کارگران را به مدیریت کارخانه پاس داد. در این میان کارگران بر خواست

خود و افزایش دستمزدهایشان تاکید دارند.

در جریان تجمعی اعتراضی کارگران گفته شد که سه دستگاه اتوبوس شرکت آتش گرفته است و مسئولین کارخانه این آتش سوزی را به گردن کارگران گذاشتند اما کارگران این را یک توطئه برای سرکوب اعتراضات خود اعلام کردند و هرگونه دخالت در این آتش سوزی را تکذیب کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران ایران خودرو و سایر کارگران و مردم را به حمایت فعال از خواستهای کارگران ایران خودرو دیزل فرا میخواند. با پافشاری بر حداقل دستمزد ۵۰۰ هزار تومان در ماه که خواست اعلام شده بخشی از کارگران ایران خودرو نیز هست، باید مبارزه متحدانه ای را برای مقابله با تعرض کارفرما و دولت اسلامی به جریان انداخت.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ شهریور ۱۳۸۵
۴ سپتامبر ۲۰۰۶

تلویزیون کانال جدید را همزمان در اینترنت ببینید!

www.pamtv.us

تلویزیون انترناسیونال
هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰
به وقت تهران

شخصیات فنی ماهواره

Satellite: Telstar 12
Frequency: 11494
Symbol Rate: 17469
FEC: 3/4

از سایت ایسکرا دیدن کنید

www.iskraa.org

مرگ مغزی ولی الله فیضی ...

از صفحه ۵

دعوت میکند به این رفتار وحشیانه
فورا و متحدانه اعتراض کنند.

ولی الله فیض مهدوی قربانی
دیگر حکومتی است که با قتل و
اعدام و کشتار فعالین سیاسی و
مخالفین زنده است.

باید خیر این جنایت جدید
حکومت اسلامی را در سراسر دنیا
پخش کرد و علیه سران جنایتکار
حکومت اسلامی کیفرخواست صادر
کرد. باید خواست محاکمه و
مجازات سران جمهوری اسلامی
ایران را در همه جا طرح کرد.

به این جنایت جدید جمهوری
اسلامی و به این قتل عمد آشکار
اعتراض کنید.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۳ سپتامبر ۲۰۰۶
تلفن تماس:
۰۰۴۹۱۷۷۵۶۲۴۱۳

کارگران پوریس ...

از صفحه ۱

تسریک این پیروزی به کارگران
پوریس، اخراج بهزاد را محکوم
میکند و همه کارگران پوریس و
دیگر مراکز کارگری را برای حمایت
از این کارگر اخراجی فرامیخواند.

بهباد سهرابی به جرم فعالیت
کارگری و اعتراض به نقض حقوق
کارگران اخراج شده است. ما وظیفه
خود میدانیم و از همه کارگران و
تشکلهای کارگری میخواهیم برای
بازگشت بکار بهزاد سهرابی
اعتراضاتشان را تشدید کنند. نباید
اجازه داد که کارگران فعال در
کارخانجات اخراج شوند، مبارزه
کارگران برای دستیابی به حقوق
انسانیشان حق مسلم آنهاست

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۹ شهریور ۱۳۸۵
۳۱ اوت ۲۰۰۶

۱- حق ایجاد تشکل در کارخانه
۲- حداقل دستمزد صدو هشتاد
هزار تومان

۳- از این تاریخ تصمیم اخراج یا
عدم اخراج کارگران در اختیار تشکل
کارگران خواهد بود.

۴- تمدید قرارداد کار طبق روال
قبلی بصورت دو ماهه

۵- لغو حکم اخراج ۴ نفر از
کارگران که بدنبال سرکوب اعتصاب
از طرف کارفرما به آنان ابلاغ شده
بود.

۶- لغو تصمیم مدیریت این
کارخانه مبنی بر دریافت وثیقه دو
میلیونی تومانی و معرفی دونفر به
عنوان ضامن در ازای تمدید قرارداد.

طی این مذاکرات کارفرما
حاضر به تمدید قرار داد کاری و
بازگشت به کار بهزاد سهرابی نشد.
کمیته کردستان حزب ضمن

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!